

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دعای عزرا

اجازه دهید درود های
شورش و برافراشته شکسته
مرگزی توده ایران و
تمام انظار مردم بر شما نباشد
این ستارگه هشتم حزب
کهن ستارگه آسمان و
توسط شما بشام کوششها و
نات زحمتها جمهوری دمو-
کراتیک آلمان تقسیم دارم.

شاد باش رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان

دوره ماه جدید تشکیل سیستم اجتنابی گسترش
یافته سوسیالیست در انتظار آهسته، تدریجی
نیست که کار این کنگره و رابطه تجلیانه
جدید و خصیصه این کنگره کم جز کم
دیگری در راه بشریت را چه سرخ حیات
اقتصادی و اجتماعی جامعه و رفیع پیش از
پیش سطح زندگی در مستحکمات جمهوری
دموکراتیک آلمان خواهد بود.

شماره ۷

در باره بیمه دوستی و همکاری

بین شوروی و جمهوری متحده عرب

در تاریخ ۲۷ ماه مه ۱۹۷۱ میان
اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری متحده عرب
پاکستان دوستی و همکاری منعقد گردید.
پیمان از طرف اتحاد شوروی تصویب شد
و از طرف مصر اتور السادات
امضاء کرد.

اتور السادات در مملکت حله باقناتر
با کنگرهی ترتیب داده می شد و با اکتش
کنود های عربی در قبال توسعه مائیت
مصر و شوروی اشاره مکتوبه چنین گفت:
«امریکاینها و هیستانت آنها در گذشته
سیاست مائیت شوروی و ایران - عرب مثل
سخت و دشمنای شرف ایران و عرب مثل
آنها نبوده اند. از لحاظ تاریخی من نتوانا
به آزادی و استقلال اجتناب پذیرم است و
برای ایام تحولات عظیم درمیانهای سیاسی
اجتنابی و اقتصادی شرف را در زنده بجا می-
آید. ضرورت چنین درود - و می بین
موضع مصر را که طرفدار ملی چپس اختلا
فات در باره است با آزادی کرد و گفته
«چهارمین میمنت که بنگاه پشتیبان تجاوز
دیده در هفته ۸

ما با اساس رضایت خاطر رفیق سخی
دانی بر مشون رفیق اربش هونگر دبیر اول
کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان
و سفرهای نمایندگان دیگر کنگره و استماع
مستقیم - گزارش رفیق هونگر با روشنی
تمام نشان میدهد که در زمینه ایران، خصیصه
حکامه هاشم چه موفقیتهای عظیمی عرب
مردم و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان
گردیده است و چه درونهای دشمنانی برآیند
کار است غلام توری مارگسیستی - لیتنی

طمانه هشت ابراهیم در باره

گزارش هیئت نمایندگی

حزب توده ایران در

بیست و چهارمین کنگره

حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیئت ابراهیم و اجلاس ماه مه ۱۹۷۱
نمود گزارش رفیق ایرج اسکندری دبیر اول
کمیته مرکزی حزب توده ایران را که از
جانب هیئت نمایندگی حزب ما و بیست و
چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی
روانده است و نمود و قرائت هیئت نمایندگی
ما را درود تأیید قرار داد.
هیئت ابراهیم تصریح میکند که بیست
و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد
شوروی که نمایندگی آن بیست و سه مرکز
توجه جهان قرار داده و با واقع و رو که
توجه به حیات مردم شوروی بلکه در تاریخ
معاصر است. این کنگره با مجمع وزر که
به نیروی همه انقلابی مصر ما پیش کشور
های سوسیالیستی - پیش انقلابی کشورهای
سرمایه داری و جنبش جهانی بشری ملی مل
گردید.

شماره ۷

درود به کارگران مبارز ایران!

اصلاحیه شکسته مرکزی حزب توده ایران

در باره عداوت کارگران کارخانه جیلات کرج

آنکه ای که دردها اول در هیئت تمام
در کارخانه های دین و ای که در جیلات تمام
اتحاد اتحاد و منجر به شکستها و معروج
شدن همه پیشانی کارگر گردید. بار دیگر
رفیق غیر انسانی و ظلمت انگیز دولت
از سبیز مستحکمات ایران نشان داد. زانهاره
ما هزاران کارگر را که برای رسانیدن مرد
خود پس مثل قانونی ناپا به تصاحب شد
بودند، بگناه بسته و خون دهان بر
(مستحکمات بنگاه در ریخته و صد ها نفر بود
کودک را با خطر آرمش کارفرما بی سر
پرست کرد.

حاکموت ایران از طرفی مایه است
که مدافع حقوق کارگران میباشد و برآی
اثبات این استاد کنگره کارگری تشکیل

شاد باش هیئت نمایندگی حزب توده ایران!

به کنگره چهاردهم حزب کمونیست چکوسلواکی

با دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست
چکوسلواکی هیئت نمایندگی ما برآست
رفیق عبدالصمد باغبان شیر کمیته مرکزی
حزب توده ایران در کنگره چهاردهم حزب
کمونیست چکوسلواکی که از ۲۵ تا ۲۸
ماه در پراگ بر پا بود - شرکت کرد.

اهمیت حیاتی کار توده ای در شرایط کنونی

عبید کار توده ای
کار در بین توده ها و سازمانهای توده
ای برای وصول به اهدافی تاریخی رسالت تمام
استراتژیکی - برای مبارزه علیه نفوذ استعمار
و برای آزادیهای دموکراتیک - برای مبارزه
در راه بهبود زندگی توده ها و تقویت اساسی
دولت. در این هیئت توده ها و نقش کسوف
حزب توده ایران در کنگره چهاردهم حزب
کمونیست چکوسلواکی که از ۲۵ تا ۲۸
ماه در پراگ بر پا بود - شرکت کرد.

شماره ۷

احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت

همچنان شعار مبارزه مردم ایران بر ضد ابرهالیسم است

۲۹ خرداد ماه بیست سال از تاریخ
ظلم به اکثریت ملیت ایران و انگلیس
گذشت. ظلم به اکثریت ملیت ایران و انگلیس
ملی قانون ملی شدن صنایع نفت ایران و
مطهر پیروزی در کنگره حزب ایران و ایران
لیسم انگلستان بود. با ظلم به اکثریت
سایر مبارزه به پیروزی مردم ایران برای نظام
سلطه ابرهالیستی انگلیس - بر سر زمین
تروتسکی ایران بشری گردید. مردم ایران در
این روز بین شادانها کردند و جشنها گرفتند.
زیرا برای تعیین کار به اساسی کردند
که واقعا کار مردم بر سرشود غرض است
امکان آرا یافته اند که به استقلال و ما کیت
ملی خود معلوم واقعی و چینی بعدند.

شماره ۷

دولت ایران حق دارد و نباید

برای برچیدن پایگاههای نظامی انگلیس

از خلیج فارس اقدام کنند.

هرکیم که با وقایع این پایگاهها وجود داشته باشد، شمر نقش مرزا و داد گیت ملی و ایران را از جانب این پایگاههای نظامی میته ویدد خواهد داشت.

مردم ایران در کشته برآمده و در تهمید نیروهای استعماری انگلیس قرار گرفته اند و بین قتل پایگاههای سیاسی و نظامی انگلیس در خلیج فارس گرانته، اگر بر روی نظامی انگلیس امروز سکه دولت ایران دست میزدند، سیاسی آنهاست که در حین معلومی اعتراض به بیرونی و هوایی انگلیس را در دیگر دست میبرد. «م» میون نیروی اسنه از انگلستان میزند قول مقامات و سر ایران بر روی آنها میزند و بر فراز آسمان ایران پیل میآورند میتوان تصور کرد که فردا وقتی که بر ایران برای دفاع از مقام ملی خود دست میزنند، برای بزند با چه تهمید عالی و درود خواهند بود. ما در همین گشته تروت و توت که در خود و ملی کردیم قیافه واقعی اسماعل انگلیس را بنگار دیگر میبینیم و ما مورد استهزاءهای نظامی انگلیس میبینیم خلیج فارس استقامت، در آرزو ما اشتغال مناطق جنوبی و تغییر ایران میتوان به مرز ضروری در دستور کار است. اسماعل کران انگلیس هرگز در دست راستی سخته سکه را در پهلوان انگلیس بطور غلی مورد بحث واقع شد.

آنها شوال این پایگاههای انگلیس در آنچه مورد بحث است آنهاست باطلار است: است با (استال تها که بعد بر سر جزایر ابوموسی، تب بزرگ و تب کوچک است. موافق هم سخته با منطق بزرگ است. اسماعل کران را به تکیار گشته است.

چنانکه کشمیر این جزایر هیت پاریان نقل داشته و در قته های جغرافیایی که کشور ایران مطبق از خلیج فارس جایی شده نیز این قته های ایران بحساب آمده است از جبهه در قته های جغرافیایی این قته ها شوروی هیت در زیر بربره ابوموسی که کور از ساحل ایران است با صراحت که ایران بد مشود تا ترمیدی این قته ها و جزایر تب بزرگ و کوچک بطور طبیعی و در موافق ایران است. اگر طرف ایران این قته ها را میبرد، اصولا جانی بین میامد. اما این پایگاههای انگلیس هواره، دیگر که در مقابل مود استالانی از توت پیل گذارد. مردم ایران کلا محاصره داشته اند و امروز و قته های درون که نیروهای انگلستان باشند و اوکیه استالانی که لای انگلستان باشد در خلیج فارس برای جبهه و از صوابتصوس باید پایگاههای آن از خلیج فارس برچیده شود. وقتی موضوع چنین مطرح شد، روزنامه مردم از کان مرگ می حزب توده ایران برای بدل ایل مرجهه باره عومی مردم این سرزمین

در اوایل ماهه سال جاری دولت ایران با داشت اعتراضی با انگلستان در مورد دولت تهمید آیز هوایا های انگلیس بر فراز جزایر و نیروی دریایی ایران داد. محال برسی دولت انگلیس جواب فرستای به رسوایی که در اینبار به عادت. سخن گوی دولت انگلیس در جواب برنگار است گشت که هنوز اطلاعات دقیقی بدست نیاورده ولی متوجه گردید که غلبان انگلیس بهر صورت نیست و قصد تهمید نداشته اند. روز. های انگلیس از قول مقامات دولتی نوشته اند که مرزهای اصلی خلیج فارس چندان روشن نیست و اگر با این ایستاده که سخن است، سوء ظن پیش آمده باشد، به سخن گوی روسی انگلستان گشته است که هوا، سینه نیروی هوایی سلطنتی انگلیس بطور مداوم از پایگاه بحرین مرزبندی و بر فراز بحرین گشته میزند. بقول این مستعدی دولت انگلیس هدف از این بر روی آنها اکتشایی تقاریر بر وجود و مرور سکتشایی باز گشتی اتحاد شوروی و کشور ملهینت های غیر قانونی است.

غیر گزاری «آموخته پرس» از لندن بر سر داده است که اعتراضی ایران باعث تمجب فرمان مقامات لندن شد زیرا مقامات عالیتر دولت فقط چند روز پیش از این اعلامیه خود در آنکارا در هم گرد آمده بودند و بتوانان مودولت شده با هم مذاکره میروند.

در برخی از محافل تهران نیز نشیده هتفاهی واقعی ایران به بر روی هوایا های انگلیس درمیان وجود دارد. این مقامات میگویند که وایام روس نسبت به محسوس ویر غریبه انگلیس تهران و ترک کرد تا درخین تهمیدی خلیج بحرین برای حضور نظامی، سیاسی انگلیس در ایران تمام دهد. آنچه بزرگترین روشن است اینست که هوایا های بی نظمی و سکتشایی منتقد از پایگاه های بحرین بر میزنند و حمایت اکتشایی انجام داده و منطق شایع را تحت نظارت خود می گیرند و این امر سخته. سالیات اتحاد دارد با حق حاکمیت ملل آشکارا در تقاضای است.

دولت ایران نه تنها حق دارد سخته قته های ایران آهای بر جزایر ایران و کنتشایی ایرانی اعتراض کند بلکه کاملاً ذمه است که نسبت بهین اصطلاح «تقاریر و اعتراض» نباید زده یا کسی به تهمیدی انگلیس حق داده است که بر خلیج فارس تقاریر کند؟ وقتی موضوع خلیج فارس توسط ازبورو های انگلیس به آمد متعلق ملی و دمو، اگر تکیه ایران و از جبهه حزب ما روی این مطلب اسرار سکتشاده و هنوز هم اسرار مرگنده است انگلستان باید به پایگاههای نظامی خود را در خلیج فارس و مناطق مشرف به آن تخلیه کند. ما کشور و تکیار

شماره ۲

شماره ۲

احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت

فرمانی تازه - اسکاقت تازه

در سته ساله که از ملی شدن صنایع نفت ایران و تقابل با شرکت سابق میگویند تحولات کبلی فراوانی بسود نیروهای ضد امپریالیستی در سته ساله رخ داده است. انگلیس این تحولات را بتوانان در سلطنت روز افزون کشور های تحت نفوذ خود بر این اصلگران نفتی بر دست آورد است.

زات کونا کونا توسط این سکتور که از شرکت های نفتی و در تکیار جبهه میته اند (که مظهر آن «لورک» است) در سپاس کارل بین المللی نفت در تهمید و تسرع پرده ملی کردن منابع نفت و در کشور های تحت نفوذ سکتور، کلا آشکارا است که نفوذ روز افزون سبه سته امپریالیستی خلفا، که در مرکز آن فردگاه سوسیالیستی و قل از هم تصاد شوری قرار دارد، فرسها و اسکاقت غزای صاحب خود را در منابع تحت خود اصال و از این تروت گرانها بدویشتر استقامتی و رفاه ملی خود استانده است. «کلور آن» نیاز روز افزون کشورهای رشد یافته سرمایه داری و نفت در حال حاضر وایدی آنها پیروز و نفت غلور به نفت اسماعل کران را در موضع ضعیف تر قرار میدهد و این واقعت نیز بیه خود اسماعل فشار بر آنها و گرفتن امتیاز از آنها را بدین میکنند.

برای مردم ایران ما سته این حق را پست ملی پست آزادی آورده است. مردم چین که ما سته بزرگ و نیرومندی در اتحاد شوروی را در کنار و مرزهای دارد، برای مردم چین ما با پیروز به انسان و سکتشایی تاثیر خود می در شرایط تروت و اشتغال موفق شده اند. اسماعل کران را با سبب نشینی جانی بدی میبور سازه این فرسها و اسکاقت تازه برای اسکاقت آزاد و مستقل از منابع نفتی خویش ساخته اعیت بیشتری کسب میکنند. این بدینست است که اگر کلا پیروز بر دست اسماعل کران نفتی و کسکات اشتراکات و بشری از آنها افزایش یافته است و هم اسکاقت پیروز برای ایل قانون ملی شدن صنایع نفت و تمام کامل صنایع اسماعل کران نفتی بزرگترین تروت ملی ایران.

در آنچه که مورد سلطنت ایران است باید گفت که اگر دولت ایران از فرسها و اسکاقت تازه، برای تهمید بدینست در برابر اسماعل کران نفتی، برای تهمید تهمید تر به پیشتر از آنها بسود مردم ایران و بالاخره برای ایل قانون ملی شدن صنایع نفت، سخته خود، یعنی احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت - استانده آنها تهمید تهمید که خواصه مردم ایران است. بیابکی اندیشه ایی لوست و در هر نردم ایران پیروز خود را برای احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت، برای آنچه این بار علم به از اسماعل کران نفتی غلور لغت و برای سبه انگلیس گردانده خواهد داد و ترمیدی هم بدست که پیریزی لغتی با مردم ایران است. «م» آموخته.

مردمان و سازمان مدع و با اشتغال فرار داد سکتور سیر تکامل جنبش ملی سکتور صنایع نفت ایران و توتف سازه و آنرا کبلی بقدر بر گرداند.

شماره ۲

ولی مردم ایران که پس از اینصالحا پیروز آشکارا توتست بودند و آرزوی حقیقی ملی خود دست بیاخته حاضر توتند از در حد که با آید خود در استانده منابع تروت ملی خویشی سرخط کنند. همین جهت مردم برای هر امر که در فرار داد سکتور سیر و بر سته ششانه اند و نه از پیروز برای ایام قانون ملی شدن صنایع نفت دست کشیدند. مردم ایران با وجود شرایط دشوار ملی گردان و هر فرصت و اسکاقت برای ایران نمایان و در شورش در این زمینه استانده اند. لغت و تکیار جبهه سکتور مردم ایران در این مورد بدی بود که حتی اسماعل کران نفتی و مقامین فرار داد سکتور سیر توتستند از فرج را به سکتور بطب بر گردانند و میبور شده اصل ملی شدن نفت ایران را در دهمر فایرند. همین ترتیب بین مردم ایران برای اداره مستقل صنایع نفت خویش توترا از طرف همه مراجع داخلی و بین المللی و حتی از طرف امپریالیستی انگلیس تقاریر شده است. برای ایران این حق است که مردم ایران پیروز بر دست اسماعل کران نفتی و دولت های امپریالیستی پشتیبان آنها ایلان شده

را پیشنهاد کرد. ما معتقد بودیم که سته مردم هر ستمانی حق دارد سخته خود سکتور نشینی. این سکتشایی امپریالیست ها موسی که حزب ما مجبور است با آن اصطلاح فراموشی سخته با مودولت دولت ایران انجام دهد و تروت آن آسان فاصله داشته و بر صورت اصل اینست که توت مردم هر سته سرتوت خود را تهمین کنند.

حزب ما در بین ایل هواره باواری کرد که برچیدن پایگاههای نظامی انگلیس از بحرین باید بخشی از شرایط ملی سخته بحرین و خودارایی خلیج فارس باشد. ما توت بدینم و سته سخته بدینم پایگاههای نظامی انگلیس در خلیج فارس و از جبهه در بحرین امری نیست که ایران بتواند نیست به این پی استانده و اوکیه استالانی و سکتشایی امپریالیست و بدین سبه پایگاههای مودولت کنند و با وادار بواولت دولت خود کرد. این حق دارد که خواستار برچیدن آنها گردان. مردم بحرین در فراموشی و استقال خود ایام داده اند. هر که توت نظامی انگلیس و از جبهه بدینم پایگاههای نظامی در آن سرزمین با استقال بحرین ضایرت داده اند و خلاف وادی است که مردم بحرین دارند. دولت ایران بعنوان جانی بدی باید این سته را مطرح کند. ایران سکتور مردم بحرین دایر استقال مودولت سکتور است و توتیافته با سیاست استقامت انگلیس دایر یامنه تحت الصبار که در استقال نوین آن موافق باشد. بیگ

فرز پاره ایمان دوستی و همکاری بین شوروی و جمهوری متحد مغرب

ایالات متحده آمریکا است که با اتخاذ چنین موضعی در واقع تلاشهای بیل به صلح و عدم مبارزه، در تجاوز امریکه به ترکمن و خوارزمه را به سوی خفا برداشته که خواستش را نیز نشان می‌دهد. امروزه اوضاع مغرب، همکاری با شوروی و سوسیالیسم، نیروهای ترسیده و خوار شده و با دست خالی گردیده و گفت: «این نکته را باید خاطر نشان ساخت که اوضاع شوروی همچنین کنونی بود که موضع ما در ترک کرد، آری مورد پشتیبانی قرار داد و از چنان نیروی ارتشیتی برخوردار ساخته شده بود آن در جهان کنونی حق هیچ زوری نداشت...»

دوستی اعراب و شوروی و همه دست جلال عبدالقادر به زری شد و همه استقلال خلق قرار گرفت و همه جای توحه یافت و منت درین دادر، این دوستی در مبارزه با استعمار و امپریالیسم پیوسته آمده و پرورش یافته... ستایش شده می آید... قبل قیام اتحاد شوروی علیه تجاوز به چین در سال ۱۹۵۶... بلکه همه جای برای صنعتی کردن مصر و دافتر فرامی، بالاخره کمک مصر و همه جای اتحاد شوروی در یکبار علیه تجاوز امپریالیسم اسرائیل و برای رها شدن حواصیل این تجاوز شاه‌های برکت این دوستی است.

برای بسط روابط اقوامی جدیدی برکشاید، برای همکاری همه جای در کشور در زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و سایر شئون زندگی اجتماعی، پایه مراعات اصول حاکمیت، تمامیت ارضی، عدم دخالت در امور داخلی دیگر، برابری و تأمین مقامات برابر بنیاد معنی پیدا کرد. این بیان امکان میدهد که مسایل مشترک همه دشانی تجاوز کارانه امپریالیست ها و دستیاران آنها توجیه شود و امنیت بین المللی تضمین گردد. در بیان گفته میشود دموکرات پیدایشی درین که نظیر طرفین صلح را مورد تهدید قرار دهد یا آری بر هم زده آنها بزرگ است و به خاطر خواهی گرفت تا مواضع خود را به منظور و به خاطر پای استقرار مجدد صلح هادنگ سازند.

با اتحاد میان دوستی و همکاری میان اتحاد شوروی و مصر پخته های امپریالیسم بین المللی خربت جدیدی وارد آمد و توحه های امپریالیست به بحرکوه بین دو کشور شکاف ایجاد کند نقش بر آب شد، درینا گفته گردیده است که اتحاد شوروی به یک دولت سوسیالیستی و جمهوری مصر به یک ایجاد جامعه سوسیالیستی را هدف خود قرار داده است و این خط و کترش دستاوردهای اتحادیه و اقتصادی خفای خودی همکاری خواهد کرد. بین ترتیب خط اساسی رفته جمهوری متحد مصر همه چیز را بر روی انقلاب مصر در زمان جلال عبدالناصر کنون گردیده و صورت در همه طرف «مشاوره اقتصادی» و فراموش «مبارزه» تنظیم شده است و بگریه دیال خواهد شد، در این اتحاد انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی مرتقی پای به پیشرفت و جلا و کشی مؤثر علیه امپریالیسم و ارتجاع، مبارزه برای رفع فقر و تجاوز اسرائیل «تکمیل مأموریت دوستی» و همکاری تر بخش با کشور های سوسیالیستی و در توسعه اول با اتحاد جهانی شوروی پیش رفتی شده است.

مردم مصر که ای تو را در شرایط پیچیده و با وجود شدت و مخافت داخلی نیروهای امپریالیستی و ارتجاع داخلی هادونه میزنند، تجاوز اسرائیل و جمهوری متحد مصر و کشور های عربی دیگر که با پشتیبانی امپریالیست ها و بر داس امپریالیسم ارتجاع انجام گرفت ابعاد دستاوردهای انقلابی مردم مصر را در محکوب جنبش رهایی بخش اعراب و کشیده خود قرار داده بود. چون تجاوز مستقیم اسرائیل بویف ترسیده امپریالیست ها به یک سو و دست زده، تجاوز کاران کلاه‌ساز مله را به بین شکافته و مله اعراب نصیبت شوراهای ملت نمیکشند و به شهادت اید و غلظت جمهوری متحد مصر را برای حل اختلاف خاور نزدیک که تا به مقرون قانونی مقام همه دولتها و خفای این منطقه ازین جبهه اعراب سقطن تنظیم شده است و در بین حال از حکومتی برای

استقرار صلح در خاور نزدیک در مزلت. راهماداران امپریالیست سر راه نقش «مابین عربی» و «رابر ایالات متحده» و اسرائیل بر کرده، بحرکوه تا با استفاده از اسرائیل ارتداد خود را در دولتهای عربیصلب نمائند. اما صلح است با عدم دوستی ظاهری توأم با قصد های پوچ کسی را نمی‌فهمد. پشتیبانی مردم جهان از حقوق خلفای عرب تقویت مییابد و اسرائیل نیز از پیش منقرض میگردند.

بطوریکه در اعلامیه مشترک اتحاد شوروی و مصر تصریح گردیده صلح ایجاد، استقرار و علاقه در خاور نزدیک قطعاً هنگامی برقرار خواهد شد که اسرائیل کلیه لوازم اشغال شده را تخلیه کند و مجبور نصیبت مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت را بپذیرد.

اتحاد میان دوستی و همکاری میان اتحاد شوروی و جمهوری متحد مصر از طرف همه کشور های سوسیالیستی و مردم ترغیب خواهد شد و با سرعت و خوشحالی استقبال شد، ولی در عوض موجب حیرت و هجابنت محققان غربی گردید.

خبرگزاری آسوشیپرس در اطلاع داد که از اثرات دانه دار سیاسی و اقتصادی پیمان و همچنین لحن صیبه انقلابی مشترک مخالفان و پادشاهی ایالات متحده آمریکا را لغزات ساخته است. روزنامه «فرانسیز» «کومار» نوشته که «پیمانی آمریکا متحمل شکستی گردیده است، امنیت بر گشت احتمالی انقلاب مصر پیش بنادر داخلی پیش نهد. و استکشت معاوضات آلمان نیز بر تو این زمینه جایب «کوشش» «دولت» «سوسیست» «کوشش» تجاوز نزدیک بر پیش قدم که گوی رسی و اطلاعاتی بفرستد نیزهات این امر را بیان کند که بیان قلمرو در آراستی که پس از ملاقات وادسیر و امور الساندت و وزارت امور خارجه آمریکا مجدداً فرما بود مانده است دوش سر راهی سکاره. بر سیاست وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا خاور نزدیک مله بیان لغزات شکست بزرگی است. پیمان همکاری و دستیاران آنها غشما که زیرا تهدیدات آنها برای تحریک افکندن در این نیرو های ملی و مشرقی جمهوری مصری عرب برای برآوردن کمترین بود که ای در بین کشور های عربی» برای ایجاد شکاف در اتحاد دوستی مصر و کشورهای سوسیالیستی بویف ترسیده و «تجاوز دشمن ترلی» برآوردند که «چنانکه تقابل بیرون بخش شدن خود در جنبه اقتصادی کشور کمک مله میان دوستی و همکاری مصر و شوروی در این توده ایست بر پیوستگی روز افزون جنبه ضد امپریالیستی خلفا» ح فروردین

چاپ سوم آخرین دفاع

خسرو روزبه

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
در دادگاه نظامی (فروردین سال ۱۳۴۷)
منتشر شد

«نشریات توده»

با انتشارات خوارزمی و ایران
نشریات توده انتشار داشته اند. بنویسند و نشریات توده به اطلاع همکاران رسید. خوارزمی خوارزمی گرامی خواستند که نگذرد زیرا در تعلیمات توده:

- (۱) پیمان همکاری و دوستی میان اتحاد شوروی و مصر
- (۲) خوارزمی علیه صلح خارج از کشور عادلانه
- (۳) پیمان همکاری و دوستی میان اتحاد شوروی و مصر
- (۴) خوارزمی گرامی باید لغزاتی که تاکنون در تعلیمات توده اند هر قدر میباید گفت کند.
- (۵) رسید لغزات و مبلغ لغزاتی را که تاکنون به اطلاع رفته.

بها	نام نشریه
۱۰۰	اعلام مردم
۱۰	مجه دنیا
۲۰	مجه مسائل بین المللی
۲۰	مابینت
۲۰	سرایه پرورد
۲۰	هر قلوب
۲۰	اعلام و کثیر و ایران
۲۰	برنامه حزب کومست اتحاد شوروی
۲۰	یادداشتی فلسفی و اجتماعی
۲۰	مجموعه رومر لونی داریات
۲۰	مجله و دیگران
۲۰	پایه خورشید

۲۰	مجله بر سر راه و جنبش های اجتماعی
۲۰	توده ایها در دادگاه نظامی
۲۰	ادبیات شوروی
۲۰	استاد کفر اسکندر
۲۰	گرامی دوستی
۲۰	دشمنی و دوستی بین
۲۰	نصیبت توده - مله اول قسمت دوم
۲۰	سالنامه توده
۲۰	دفاع روزبه
۲۰	با و گذر ادیبان
۲۰	روزنامه ادیبان
۲۰	جنبه ادیبان
۲۰	آخرین دفاع روزبه و بیان ادیبان
۲۰	مجله دفاع از بیان ادیبان
۲۰	کتاب شهادت و بیان ادیبان
۲۰	در مله - در مله
۲۰	اعلامی در باره این بیان ادیبان
۲۰	لین و ایران بیان ادیبان
۲۰	داده های سیاسی و اجتماعی

شماره حساب بانکی بانک ایران - اعلامیه مردم - مله دنیا - مله مسائل بین المللی - نشر روز است

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
Nr: 0 400 126 50
Dr. John Tokman

پیمایهای شادباش گمیته مرکزی حزب توده ایران به احزاب برادر

در پایان یک هفته مینوید

حزب توده ایران سرشته است که در مبارزه دشوار خود علیه ارتجاع فاشیستی و امپریالیسم پیوسته از پشتیبانی برادران حزب کمونیست چکوسلوواکی و پرشورانه دوست ما امپریان کامل مارش که پیوند های دیرین دوستی میان دو حزب ما و خلق های ما در آینه یزیش از پیش تکمیل خواهد یافت.

در پیام سبکتبه مرکزهای حزب توده ایران و

سماهی فراوان بکار برت، عناصر دوزیونیست در داخل حزب نصب مغرور و سپس مغرور شدند، تردید نیست که با چنین خلق دهری حزب کمونیست در میان کشور و با غرض داشتن های کینه پلیدیهای داخلی و درونی حزب، برآمده های شکلات های از فعالیت مغرب گشت عناصر ضد انقلاب نیز یکی از میان خواهد رفت.

در پیام سبکتبه مرکزهای حزب توده ایران و

گمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی

که پیشتاب پنجگمین سالروز تأسیس حزب کمونیست رومانی ارمال شده است گمیته مینوید، قرار میدهد و با اینکه به اصول مارکسیسم-لنینیسم و اترانسواولیس پرولتری از تقویت وحدت جیش جهانی سکونیستی موافقت میکند.

در پایان هفته شادباش کیت مرکزی حزب توده ایران تسریع گردیده است که ایندولوزی مارکس مینماید بر اصول مارکسیسم-لنینیسم و اترانسواولیس پرولتری و مبارزه دو راه اوسر مشترک دو حزب ما، با رسته های محکم و یکپارگی در مبارزه، کامیابی های درخشان ما در سامان سواولیس ما را عبقا شاهد جنگنده و با در مبارزه انقلابی الهام میشود.

حزب توده ایران که در شرایط دشوار ماضی علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقرار آزادهای خود کراتیک مصرعه در اختیار اساسی، در راه ترقی اجتماعی و استقلال واقعی مینماید ما مبارزه میکنیم بر پایه ی پشتیبانی پرورانه حزب سکونیستی رومانی از مبارزه ما عوارز ارزش عالی قائل بوده است.

پاسخ گمیته مرکزی حزب سکونیست ایتالیا

به پیام شادباش سبکتبه مرکزهای حزب توده ایران

محکمگی که دو حزب ما در مبارزه جیش کمونیستی و کارگری باطنی تحقق صلح و آزادی غلظها و سواولیس و یکپارگی پیوند میدهد.

شکرت خود را همراه با درود های پرورانه تجید میکند

کیت مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

زمستانگان ایران طیرم هه این قار ها و سنگربا پیازده خود را در وصول پهنه های صلی و آزادی ستاد اقامه خواهند داد. کیت مرکزی حزب توده ایران پزنامه گان کار گران شید نسبت در میگردد و پشتیبانی کامل و بیامرغ نوروزا از خواستهای عازله و قانونی کار گران کارخانه های جهان فراهم میابد.

سبکتبه مرکزی حزب توده ایران ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۰

چکوسلوواکی و حزب کمونیست رومانی پیام های شادباش برای کیت های مرکزی آن احزاب ارسال داشت. در زیر قسمتهای از این پیامها درج میگردد.

بشاکتیت یست و پنجمین سالگرد تأسیس

حزب سواولیس متحده آلمان

کیت مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی ارسال داشته است که در آن از اینکه چنین گته مینوید.

تشکیل حزب سواولیس متحده آلمان نتیجه دهها سال مبارزه پنهین شاهه گان علیه کارگر آلمان خاطر نیت وسعت در جیش کارگری آلمان و پرولری تاریخی جهان برای انقلاب پرولتری را پرودتسود. میتوان عبارت گشت که حزب سواولیس متحده آلمان پرودتسود جیش کارگری آلمان از زمان «مافیت حزب کوم. یست» و تشکیل حزب کمونیست آلمان است. حزب سواولیس متحده آلمان در تاریخ ۲۵ خاود عوارز مارکسیسم-لنینیسم و اترانسواولیس پرولتری را راضعی خود قرار داده است. علیه کارگر آلمان و جیش جیش املای کارگری تاریخی با قدری و ظهور تاریخ یکپارچه حزب سواولیس متحده آلمان یکپارگی.

در اثر تغییر تناسب قوا بسود نیروهای صلح و مردم گرایی و سواولیس مرمای ماضی در جمهوری فدرال آلمان مجبور به اتحاد تاخستیک جدیدی شده است. امیرای ایران احصاکت جدید به دولت سواولیس لیرال واکلور گردیده است. ولی این لیرال که تئوری و ماعت سیاست مرمای عالی نداده است، چنین جهت بسود مرز بندی اشکار بین کوم. یست و سواولیس دموکراتیک تسود اذمه موزیت آخیز مبارزه طبقاتی ممکن نیست. سیاست حزب سواولیس متحده آلمان در این زمینه مورد پشتیبانی کامل حزب ما است.

در پیام شادباش به کیت مرکزی حزب کمونیست چکوسلوواکی

بشاکتیت پنجگمین سالروز بناگذاری آن حزب گته شده است.

... حزب کمونیست چکوسلوواکی در دوران استقلال چکوسلوواکی پویله فاضان قشاکتبه گته که حزب کوم یود که بر پایه یکت برنام مشص شد فاشیستی فیرمانانه طب اشکارگران جیشی مبارزه میکرد.

در اوت سال ۱۹۴۸ قیام فیرمادانه مردمچکوسلوواکی اشکارمیرحزب کمونیست ضریت جدی بر استعمارگر فاشیست وارد ساخت. در ۲ مه سال ۱۹۴۸ ارتش پرولر مته شوروی سبکتبه مورد پشتیبانی انقلابیون چکوسلوواکی بود که در آن با قید اشغال قشاکتبه باطنی و پیشان دورانیون تاریخ کشور شا آغاز گشت.

در این سبکتبه خاطر نشان میگردد که

نیکو ۶ هفته

اعلامیه کیت مرکزی حزب توده ایران در شرافتت ایران و جهان خودشان است که صدای اعتراض خود را علیه اینگونه جنایات بلند میکنند و پیامات دولتی ایران اعتراض نمیدانند.

کیمور اینکسکه با زور بر نرزه و قتل و جرح زمستانگان از سونی و تلینات عوام فریاده از سوی دیگر میوان از مبارزه حق طلبانه و متحد علیه کارگر ایران جولوگری کرد، خیالی واقعی است. بین است سبکتبه

نظام نوین سواولیس طیرم شام دشواری ها را خود را به خود گشود و نظام سبکتبه مرمای داندویری این جهت نه دم گردیدند. توطئه ضد انقلابی سال ۱۹۶۸ تلاش دیگری بود که با مانع گان اتحاد و کیمور دوزیونیست آلمان به قصد پاشل کردن مسودور های نظام سواولیس بکار برند. ولی این توطئه یزری کشور اتحادشوری و شکست.

از اوت ۱۹۶۸ در چکوسلوواکی برای طیرم در شوروی سکونیستی و تکمیل یوله های غربی دوستی با اتحاد شوروی و سایر سکونور های سواولیس

